

دکتر علی شریعتی، وعکسهای اختصاصی از مراسم یادبود او در بیروت



این عکس از مجلس یادبود دکتر شریعتی که در بیروت برپا شده بود گرفته شده است، دو دختر دکتر شریعتی، یاسر عرفات و امام موسی صدر سمت چپ یاسر عرفات دیده میشوند...



پسر دکتر شریعتی، در مجلس یادبود پدر

نابسمانیها و پریشانها و بالاخره جنبه های انحطاطی آن اقدام نمود و کوشید تا مردم بخصوص نسل جوان را از واقعیت های دردناک سرزمین خویش آگاه کند اما در مهر ماه ۱۳۵۳ به زندان رفت و مدت ۱۸ ماه محبوس بود. پس از آزادی نیز از نزدیکی وی به مردم جلوگیری می شد و بالاخره در ۲۵ اردیبهشت ۱۳۵۶ تهران را بسوی اروپا ترک کرد و روز ۳۰ خرداد ۱۳۵۷ بدرود حیات گفت

برای معرفی استاد هیچکس را بهتر از خودش نمی توان یافت وی در معرفی خود می گوید: «من بعنوان یکی از هزاران» که در این مملکت و در این قسمت از زمان و زمین ایستاده اند و به سرنوشت خود و آینده شان و وضع موجود جهان و وضعیت خودشان می اندیشند و ناچار در جستجوی راه حل و نجاتی هستند سخن میگویم.

من از یکسو وابسته به قرن بیستم هستم در عین حال که من خود در قرن بیستم زندگی نمی کنم. دردها و مشکلات و جریانهای قرن بیستم روی من و سرنوشت من و در جامعه من تأثیر دارد.

و از سوی دیگر من یک انسان هستم و در این طبیعت و در این جهان بزرگ باید بدانم که به نام یک «موجود انسانی» چه کاره هستم؟ چه جور باید زندگی کنم و سرنوشت و سرگذشت من چه بوده و سرشت من چیست؟ برای چه آمده ام و برای چه باید زندگی کنم و معنای آفرینش روح و تدبیری که بر آفرینش تسلط دارد چیست؟

و از طرف دیگر وابسته به یک منطقه ای هستم از زمین بنام شرق یا گذشته اش و حالش و آینده اش که هر سه تأمل انگیز و هر سه وسوسه انگیز و دردآور است.

و همچنین وابسته به جامعه و امتی به نام امت اسلامی هستم که سرشتم و سرنوشتم و احساسم و تربیتیم با این امت پیوند دارد و این امت در وضعی است و از عواملی رنج می برد که من نمی توانم در برایش بی مسئولیت بمانم.

پس از در گذشت دکتر شریعتی به همسرش اجازه خروج از کشور داده شد و جنازه وی توسط فرزندان و تنی چند از دوستانش در زمینه شام بغداد سپرده شد و بدین ترتیب در حوالی مرقد مطهر حضرت زینب علیها سلام جایگاهی ابدی یافت...

در سال ۱۳۱۲ در خانه آموزگار متدین و خردمندی از اهالی خراسان بنام «محمد تقی شریعتی» کودکی پا به عرصه گیتی نهاد که «علی» نامیده شد. او مانند سایر کودکان هم سن و سال خود دوران دبستان را سپری کرد و در دبیرستان فردوسی مشغول تحصیل شد سپس وارد دانشسرای مقدماتی شده و پس از پایان کار دانشسرا به آموزگاری پرداخت. کاری که در تمام مدت زندگی کوتاهش بدان عشق میورزید و با ایمانی خاص و با تمامی وجودش انرا دنبال میکرد. در سال ۱۳۲۲ به دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه مشهد وارد شد و در رشته ادبیات فارسی به تحصیل پرداخت. در سال ۱۳۳۵ با یکی از دختران همکلاس خود بنام «شریعت رضوی» ازدواج کرد و نمره این ازدواج سه دختر و یک پسر بود. در سال ۱۳۳۷ با عنوان شاگرد اولی موفق به اخذ مدرک لیسانس در رشته ادبیات فارسی گشت و به همین علت برای ادامه تحصیل به فرانسه فرستاده شد و با برخورداری از معلومات اصیل و پربارش در زمینه های تاریخ و فرهنگ ملی و اسلامی در نتیجه برخورد با فرهنگ غرب توانست بر معلومات خود بیش از پیش بیافزاید و شناخت علمی خود را در زمینه های مختلفی چون جامعه شناسی مبانی علم تاریخ - تاریخ و فرهنگ اسلامی غنی سازد. وی پس از سالها تحصیل و تحقیق در فرانسه و با استفاده از محضر استادانی صاحب مکتب و متفکر و آزاد اندیش به کسب مدرک دکتری نایل آمد و بسوی وطن بازگشت. پس از بازگشت به ایران در نتیجه فعالیت هایی که در خارج از کشور داشت مستقیماً به زندان رفت پس از چند ماه آزاد شد و به خراسان زادگاه خویش شتافت و در دانشگاه مشهد به تدریس پرداخت.

تمام کوشش وی واقف ساختن دانشجویان به ارزش های فرهنگ ملی و آگاهی به نقش و رسالت خودشان بود.

در سال ۱۳۴۸ حسینیه ارشاد بعنوان یک مرکز فرهنگی اسلامی به مردم معرفی و فعالیت شدید دکتر شریعتی آغاز شد. وی در این مدت با کنجکاوی به تجزیه و تحلیل تاریخ ایران و تاریخ جهان اسلام و چهره های مقدس و شخصیت های بزرگ و از طرف دیگر با ظرافت کامل به توجه چگونگی حیات جامعه کنونی وطنش و سعادت و

دکتر علی شریعتی

